

چگونگی روش تحقیق در فرهنگ عامه

مصاحبه با پروفسور مارزلف*

فصلنامه فرهنگ مردم: آیا شیوه گردآوری فرهنگ مردم که مرحوم انجوی شیرازی به نوعی بنیانگذار آن در ایران بود و در کتاب خود به آن پرداخته و شما نیز به دلیل

* اولریش مارزلف در سال ۱۹۵۴ در آلمان متولد شد. وی پس از تحصیلات متوسطه از برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی از جمله ایران دیدن کرد و با فرهنگ مردم آن سرزمین‌ها آشنا شد از این میان ایران را برگزید و در دانشگاه مشهد به آموختن زبان و فرهنگ فارسی همت کرد. از جمله اساتید مارزلف در دانشگاه مشهد شادروانان دکتر غلامحسین یوسفی و سید جلال‌الدین آشتیانی بودند. وی در آستانه انقلاب اسلامی به آلمان بازگشت. در آلمان دکترای خاورشناسی را از دانشگاه کلن دریافت کرد. در این دوره فلسفه اسلامی را در محضر شادروان دکتر جواد فلاطوری و ادبیات فارسی را از دکتر شمس انوری‌الحسینی آموخت و پایان‌نامه دکترای خود را در زمینه «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» به رشته تحریر در آورد. این اثر در سال ۱۳۶۹ به همت کیکاووس جهاننداری توسط انتشارات سروش به چاپ رسید.

اولریش مارزلف پس از تحصیلات دانشگاهی دو سال در موسسه خاورشناسی بیروت مشغول به کار شد و سپس در آکادمی علوم آلمان مسئولیت بخش شرقی دایره المعارف قصه را برعهده گرفت و همزمان در دانشگاه گوتینگن به تدریس زبان عربی و فارسی و فولکلور پرداخت. پروفسور مارزلف تا کنون چند سفر به ایران داشته است از جمله در سال ۱۳۶۸ برای شرکت در مراسم دهه فجر در سال ۱۳۸۰ کار وی در زمینه «چاپهای مصور سنگی کتابهای دوران قاجار» به عنوان اثر برتر از سوی پژوهش سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پذیرفته شد و امسال در آذرماه به عنوان استاد مهمان در دانشکده بنیاد ایران شناسی حضور یافت.

از پروفسور مارزلف تا کنون مقالات و کتابهای بسیار در زمینه ایران‌شناسی به ویژه قصه‌های ایران تألیف گشته است که از این میان می‌توان اشاره کرد به «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» انتشارات سروش، ویرایش قصه‌های «مشدی گلین خانم» گردآوری پروفسور الول ساتن (با همکاری احمد وکیلان) نشر مرکز.

چهار اثر نیز از پروفسور مارزلف در ایران در دست چاپ است. نام این آثار عبارتند از: بهلول عاقل، تصاویر مصور چاپهای سنگی دوران قاجار، تصاویر چاپهای سنگی شاهنامه و ویرایش قصه‌های ایرانی گردآوری الول ساتن (با همکاری احمد وکیلان)

دوستی و ارتباط با آن مرحوم از کم و کیف آن آگاهید روش علمی محسوب شده و قابل دفاع در محافل علمی هست یا خیر؟ آیا به همین روش می‌شود ادامه داد یا اینکه به سراغ روش‌های تحقیق دیگر در مردم‌شناسی همچون مردم‌نگاری و... برویم؟



پروفسور مارزولف: این سؤال فوق‌العاده مهم است که چگونه می‌توان فرهنگ مردم را جمع‌آوری کرد. البته این را بگویم که روش جمع‌آوری و طرز نگارش فولکلور یا فرهنگ مردم چیزی نیست که صادق هدایت یا آقای انجوی اختراع کرده باشند. بلکه آنها هم تحقیق کرده‌اند و این شیوه را که قبلاً در حوزه‌های مردم‌شناسی و فرهنگ مردم فرانسه اجرا می‌شده، اخذ کرده‌اند.

نکته‌ای که اینجا بیش از حد اهمیت دارد اینست که آیا باید پژوهشگر خودش برود و کار میدانی انجام دهد یا اینکه تا اندازه‌ای و با وسایلی می‌تواند از همکاری مردم استفاده کند. که آقای انجوی بیشتر از روش دوم استفاده کرده است. البته کارهای میدانی آنطور که من می‌دانم تا حدی انجام شده است، ولی بیشتر از مردم روستاها، شهرستان‌ها و جاهای دورافتاده دعوت کردند تا از طریق مکاتبه با برنامه رادیویی مطالب را جمع‌آوری کنند و بفرستند. البته این کار فایده‌ای دارد و آن اینکه گردآوران مطالب، خودشان در آن محیطی که قصه‌ها، باورها و دانستنی‌های مردم را جمع‌آوری می‌کنند، زندگی می‌کنند و اصلاً بیگانه به حساب نمی‌آیند. ما از کارهای میدانی دیگران دیده‌ایم که هر موقع پژوهشگر از شهر برای تحقیق به روستا می‌آید، البته مردم استقبال می‌کنند ولی همیشه او (پژوهشگر) عنصر بیگانه در بین مردم محسوب می‌شود و دخالت شخص پژوهشگر باعث تغییر موضوع‌های قابل بحث می‌شود و از این جهت تأثیری بر گفته‌هایی که مردم ابراز می‌کنند دارد. همانطور که گفتم این شیوه که آقای

انجوی و دیگران اعمال کردند ریشه ایرانی ندارد و تاریخ آن به دو‌یست سال پیش که برادران «گریم» در آلمان با همین روش شروع بکار کردند، برمی‌گردد. آنها اول در روزنامه‌ها و مجلات مورد نظر اعلامیه پخش کردند که ما می‌خواهیم از همکاران و دوستان در جاهای مختلف استفاده کنیم، چون برای ما امکان ندارد که خودمان به همه جا برویم. این آگهی از طرف برادران «گریم» در آلمان مؤثر نبود و همکاران زیادی پیدا نکردند. ولی در جاهای دیگر این روش را تعقیب کردند، مانند کشورهای حوزه بالکان و فرانسه تا امروز ادامه داده‌اند. حتی در کشور چین هم، از همین روش استفاده می‌شود و خیلی هم موفق هستند. از آنجا که چین همانند ایران نظامی متمرکز دارد و همه چیز در پایتخت وجود دارد، من فکر می‌کنم این شیوه در ایران نیز مفید است و همانگونه که قبلاً گفتم ترس از دخالت پژوهشگر هم در این روش وجود ندارد و از طرفی کسانی که در سکونتگاهشان به نگارش مراسم می‌پردازند چون دانش عوام دارند این اصیل‌ترین روش جمع‌آوری اسناد عامیانه محسوب می‌شود.

فصلنامه فرهنگ مردم: سؤال بعدی در مورد تجزیه و تحلیل‌هایی است که به استناد مطالب گردآوری شده، از این طریق صورت می‌گیرد یکی از نقدهایی که به نظریه برخی مردم‌شناسان متقدم ایراد می‌شود همین بحث متدلوژی و شیوه گردآوری اطلاعات است. منتقدین می‌گویند نظریات آنها با استناد به داده‌هایی است که توسط سفارت‌خانه‌های کشورشان در کشورهای دیگر جمع‌آوری شده و این داده‌ها اعتبار علمی برای نظریه‌پردازی ندارند. با استدلال‌هایی تقریباً نزدیک به همین مطلب داده‌های فرهنگ مردم را که طی سالیان متمادی گردآوری و نگهداری شده است، زیر سؤال برده و در اعتبار آنها برای تجزیه و تحلیل‌های علمی تشکیک می‌کنند.

آقای مارزلف: در درجه اول باید ببینیم آنهایی که از این روش ایراد می‌گیرند چه پیشنهادی بهتر از این دارند. شما که در اینجا [واحد فرهنگ مردم] تجربه علمی دارید و متوجه هستید که هر کاری باید در چهارچوب امکانات اجرا شود. آنهایی که به روش جمع‌آوری آقای انجوی ایراد می‌گیرند و می‌گویند که بهتر است کار میدانی انجام شود،

خوب بروند به روستاها، کسی مانعشان نیست، ولی هیچگاه به این تکامل و این تعداد اسناد نخواهند رسید، ضمن اینکه از مشکل دخالت پژوهشگر هم در امان نیستند. به‌رحال در نبود امکانات باید از تجربیات دیگران و امکانات آنها استفاده شود. شاید بهترین کار این باشد که از هر روستا یا شهر، فردی به واحد فرهنگ مردم آورده شود تا دوره‌ای در زمینه «فرهنگ مردم» ببینند و سپس به زادگاهشان برگردند و در آنجا کار انجام دهند ولی می‌دانیم که این کار امکان‌پذیر نیست.

فصلنامه فرهنگ مردم: هیچ ارگان و نهادی متولی چنین آموزشی نیست که بخواهد چنین هزینه‌ای بکند و در این سطح وسیع افرادی را آموزش دهد.

پروفسور مارزلف: البته لازم به ذکر است که در جاهایی می‌شود کارهای میدانی انجام داد. اما بهتر است از هر دو روش تا حد امکان استفاده شود. و به هیچوجه نباید کارهایی که انجام شده [مطالب گردآوری شده در واحد فرهنگ مردم به شیوه مرحوم انجوی] به دور ریخت. اینها اگر امروز هم قابل استفاده نباشند، باید نگهداری شوند تا در آینده استفاده شوند. به‌رحال برای واحد فرهنگ مردم هم که می‌خواهد این کار را ادامه دهد و به‌طور وسیع اطلاعات جمع‌آوری کند این روش، از همه مفیدتر است. البته اگر امکانات باشد در موارد خاص می‌توان افرادی را فرستاد، کار میدانی انجام دهند تا با استفاده از هر دو روش کار خیلی دقیق‌تر باشد.

فصلنامه فرهنگ مردم: شما علاوه بر ایران در هند و دیگر کشورها هم تحقیق فرهنگ مردم انجام می‌دهید. آیا شما در بحث فرهنگ مردم پژوهش توصیفی با استفاده از داده‌های گردآوری شده انجام می‌دهید یا به مقایسه، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها هم می‌پردازید؟

پروفسور مارزلف: کار فرهنگ مردم بطور کلی دو بخش دارد، یک بخش همان جمع‌آوری است و بخش دوم تدوین و ارزیابی آنها. البته ممکن است کاری به‌طور توصیفی انجام گیرد. مثلاً کسی قصه‌ها را جمع‌آوری و چاپ کند بدون هیچ توضیحی در کتاب هم بگوید آنطور که ضبط شده مطالب آورده شده و ما هیچ حرفی نداریم. این همان توصیف است. اما وقتی پژوهشگری می‌خواهد بیشتر کار تحلیلی انجام دهد

خیلی اهمیت دارد که با محیط و موضوع مطالعه نزدیک و با گردآورنده در تماس باشد و این خیلی مفید است یعنی گردآوری از افراد همان محیط و تحلیل با پژوهشگر و به این خاطر است که ما محدودیت داریم یکی به لحاظ امکانات و یکی هم پس‌زمینه فرهنگی که پژوهشگر دارد. موقعی که من کار علمی انجام می‌دهم کوشش می‌کنم که هر چه بیشتر از پس‌زمینه فرهنگی و ویژگی‌های شخصی‌ام دور شوم و اینها تأثیری بر روی بررسی و تحلیل کارهایم نداشته باشد. علاوه بر این کاری که ما می‌کنیم باید سودمند باشد حتی اگر فایده‌اش لذت برای خواننده باشد، بالاخره خودش فایده‌ای است و این ارتباط دارد با این مسئله که چه کارهایی و چه اسنادی باید جمع‌آوری شود؟ چطور ارزیابی شود؟ و چگونه بر روی آنها تجزیه و تحلیل صورت گیرد.

فصلنامه فرهنگ مردم: به نظر شما کار مطالعه بر روی فرهنگ عامه وظیفه کارشناسان چه رشته‌هایی است؟ جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان یا فولکلوریست‌ها؟
آقای مارزلف: البته این بحث خیلی دشوار است. ما پارسال در آلمان بحثی داشتیم درباره همین مسائل و همایشی با عنوان «ارزیابی مسائل مردم‌شناختی یا فرهنگ مردم». هر چه بیشتر صحبت می‌کردیم متوجه می‌شدیم مسائلی که ما به دنبال آن هستیم آنقدرها متفاوت نیست شاید روش کار متفاوت باشد. ولی در موضوع آنقدرها فرق نیست. من فکر می‌کنم که مردم‌شناسان بیشتر در همان چهارچوب جامعه‌شناسی فکر می‌کنند و آنهایی که در فرهنگ مردم کار می‌کنند بیشتر کوشش می‌کنند با دیدگاه آنهایی که در محیط زندگی می‌کنند به موضوع نگاه کنند و بفهمند که دیدگاه خود آنها چیست و چه فایده‌ای دارد. چرا اینطوری است که هست در ایران.

آقای دکتر فکوهی که در یک همایش سخنرانی داشتند و آماری را در زمینه رشد مردم‌شناسی در ده سال اخیر نشان دادند. وقتی به موضوعات کتاب‌هایی که ایشان ذکر کردند نگاه کردیم متوجه شدیم که بیش از پنجاه درصد آنها مرتبط با حوزه مردم‌شناسی نبود. ایشان کتاب‌های قصه و داستان را هم از دیدگاه خودش به عنوان «مردم‌شناسی» مطرح کرد.

فصلنامه فرهنگ مردم: آیا در آلمان مثل ایران که فرهنگ مردم وابسته به صداوسیما

است وابسته به جایی هستید یا مستقل عمل می‌کنید.
پروفسور مارزلف: در آلمان مؤسسه‌های کاملاً مستقل علمی هستند که من در یکی
از همین پژوهشکده‌های مستقل در آلمان کار می‌کنم. مسائلی که ما به دنبال آن هستیم
وابسته جایی نیست، از سی سال پیش تصمیم گرفتیم این کار را انجام دهیم و الان بر
روی فولکلور کشورهای دیگر و آلمان نیز تحقیقات زیادی انجام داده‌ایم.
فصلنامه فرهنگ مردم: با تشکر از شما

